

درس دوازدهم : رستم و اشکبوس

املا	لغت
تورانیان - کیخسرو - می تازد - اشکبوس - طنزگویی - بهرام - تیغ - ساعد - لعل - نعل - ایچ - کاموس - گرز - کوس - رهّام - بوق - سپهر - آبنوس - برآهیخت - ستوه - کشانی - فرمانده طوس - باده - کارزار - باده - به زه - رزم آزمای - همآورد - عنان - تهمتن - پُتک - ترگ - بی بارگی - یکبارگی - سلیح - مزیح - فسوس - برآسایی - لرزان - سندروس - خیره خیر - گزین	<p>آبنوس: درختی است که چوب آن سیاه، سخت، سنگین و گرانبهاست.</p> <p>بارگی: اسب، «باره» نیز به همین معنی است.</p> <p>بهرام: سیاره مریخ</p> <p>پُتک: چکش بزرگ فولادین، آهن کوب</p> <p>ترگ: کلاه خود</p> <p>تیز: تند و سریع</p> <p>جاه: مقام، درجه</p> <p>خدنگ: چوبی سخت و محکم که از آن تیر و نیزه می‌سازند.</p> <p>ساعد: آن بخش از دست که میان مچ و آرنج قرار دارد.</p> <p>سپردن: طی کردن</p> <p>سُتوه: درمانده و ملول، خسته و آزار</p> <p>سلیح: افزار جنگ، ممال سلاح</p> <p>سندروس: صمغی زردرنگ</p> <p>عنان: افسار، دهانه</p> <p>کام: مجازاً مراد، آرزو، قصد، نیت</p> <p>کاموس: یکی از فرماندهان زبردست افراسیاب</p> <p>کوس: طبل بزرگ، دهل</p> <p>کیوان: سیاره زحل</p>

تهیه و تنظیم

احسان محسنی

لغت ، املا ، تاریخ ادبیات کنکور ۱۳۹۹

الماس - نهاده - عقاب - مَشت -
جاه - چاه - مردم آزار - لشکری
- ساعد مسکین - ناخن درنده -
بازو - زحل - دهل - طبل - چله
کمان - وتر - حریف - رقیب -
خفتان - افسار - دهانه - صمغ

گبر: نوعی جامه جنگی، خفتان
گرد: دلیر، پهلوان
مزیح: ممال مزاح، شوخی
هماورد: حریف، رقیب

خود: کلاه فلزی که سربازان به هنگام جنگ
یا تشریفات نظامی، بر سر می گذارند.
دَد: جانور درنده، مانند شیر و پلنگ و گرگ
زَه: چله کمان، وتر

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir